

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۲، پائیز ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۹ تا ۴۰

## ماهیت شناسی و هابیت نوین

حلیمه شبانی<sup>۱</sup>

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۰۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۰۷

### چکیده

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های تحرک و تهاجم وهابیت در سطح منطقه و کشورهای اسلامی، ترس و وحشت آنان از گسترش فرهنگ برخاسته از انقلاب اسلامی، بیداری و خودآگاهی قرآن محور در میان جوانان و دانشمندان تحصیل کرده و استقبال آنان از این حرکت اصیل و مذهب نورانی مطابق با سنت راستین و ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم) است، که با پی‌جویی رفتار آنان می‌توان عمق وحشت آنان را از نفوذ بیداری و آگاهی مسلمانان امروز از اسلام واقعی و مکتب انقلاب اسلامی درک نمود. بدین ترتیب شاهد آن هستیم که چگونه با جنایات شریبار خود که با حمایت حاکمان غربی و حامیان پرنعناد مذهبی آن، نام جهاد فی سبیل الله و اصلاح دینی به خود گرفته است تصرفات سیاسی خود را صبغه مذهبی داده و آن را مقدس جلوه می‌دهند و این مقاله ضمن کالبد شکافی تاریخی در کشف علت بروز این تحولات تلاش دارد تا نقش پنهان حاکمان عرب و حامیان غرب را در این راستا مشخص و آینده این عملکرد را پیش‌بینی نماید.

**کلیدواژه‌ها:** تروریسم، افراط‌گرایی، بیداری اسلامی، جهان‌تشیع

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی

## مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی اهداف نویافته و جدیدی توسط جریان‌های افراطی - انحرافی مخالف بیداری نوین اسلامی بویژه در سران وهابیت، مورد تعقیب رهبران و هدایت گران پشت پرده مخالف با ج.ا.ا. در سطح خاورمیانه و غرب قرار گرفته‌اند. در این مجموعه جغرافیایی تفکر انقلاب اسلامی بنا به دلایل متعددی از سوی گروه‌های وهابی مورد تخطئه و کوچک نمائی قرار گرفت. در کشوری که اکثریت مردم آن دارای دین و مذهب ریشه دار پویا و انسان سازی بوده‌اند هجوم تفکرات سست و بی‌پایه‌ی فرقه‌گرایی و تحجر می‌تواند موجب تفرقه و اختلاف شده تا نتایج حاصله آن بتواند زندگی توأم باثبات و آرامش مخالفان اشغالگری و حضور غرب در کشورهای اسلامی را بعد از انقلاب اسلامی زائل و تضعیف نماید.

و اگر این هدف را معادل تفکر صهیونیسم بعنوان یک منشا فکری و سیاسی تاثیر گذار در عرصه تضعیف تفکر انقلاب اسلامی به عنوان یکی از "راس یک مثلث" فرض کنیم، به یقین بعد از جویش نقش غرب و استکبار جهانی در ضلع دوم مثلث آنچه باعث تکمیل "ضلع سوم" این مثلث شده است، نقش و عمل سران و حاکمان وهابی برخی کشورهای عربی، بویژه عربستان سعودی از سیاستهای صهیونیستی و غربی برای تحقق این اهداف بارز است. دریادار سرتیپ "ایوب صبری" سرپرست مدرسه عالی نیروی دریایی در دولت عثمانی در خاطرات و دست نوشته‌های خود می‌نویسد "عبدالعزیز بن سعود" که تحت تأثیر "محمد بن عبدالوهاب" قرار داشت که در پی عداوت خود با دولت عثمانی زمینه تسلط صهیونیستها را در فلسطین فراهم آورد در اولین سخنرانی خود به شیوخ قبایل گفت: ما باید همه شهرها و آبادیها را به تصرف خود در آوریم و احکام و عقاید خود را به آنان بیاموزیم .... برای تحقق بخشیدن به این آرزو ناگزیر هستیم که عالمان اهل سنت را که مدعی پیروی از سنت نبویه و شریعت شریفه محمدیه هستند از روی زمین برداریم و به عبارت دیگر مشرکانی که خود را به عنوان علمای اهل سنت قلمداد میکنند از دم شمشیر بگذاریم به ویژه علمای سرشناس و مورد توجه را زیرا تا اینها زنده هستند هم کیشان ما

روی خوشی نخواهند دید از این رهگذر باید نخست کسانی را که به عنوان عالم خودنمایی می‌کنند ریشه کن نمود سپس به سمت بغداد حرکت کرد و آن را از دست عثمانیان خارج کرد.

اساسی‌ترین علتی که موجب بروز این گونه رفتارهای مطلق‌انگار در وهابیت گردید بی‌تردید بی‌اعتبارسازی عنصر عقل، اندیشه و منطق و جایگزین کردن سلیقه افراد و رهبران جاه طلب عرب در رسیدن به ایده آل‌های قومی و فرقه‌ای می‌باشد و این برخلاف تعالیم دین مبین اسلام و موجب بروز انحرافات کلیدی و مبنائی و تمسک به کفار گردیده است که تأکید زیادی بر تفکر، حکمت، منطق، رحمت و احسان به هم‌نوعان و مسلمانان نموده است. شاید حدود دو قرن بود که دنیای شرق به طور کلی و دنیای اسلام به طور اخص با تحولات جهانی روبرو و موفق گردانید. بازتاب اندیشه‌ها، چالش‌ها و تحولات بعد از رنسانس، انقلاب کبیر فرانسه و پس از آن انقلابات علمی و صنعتی در اروپا در شرق اسلام موجب بیداری رهبران شده و ملت‌های مسلمان و متفکرین اسلامی در برابر دستاوردهای جدید تمدن و فرهنگ غرب قرار گرفتند ولی این تفوق با تفرقه افکنی موفق استعمار تا یک قرن به خمودی گرائید و سردمداری این حرکت به وهابیون سپرده شد.

حضرت آیت‌الله العظمی صافی از مراجع بزرگوار تقلید در بیان تبعات این رخداد می‌نویسد: هنگامی که کتاب «العواصم من القواصم» را خواندم، از جدیت و تلاش این گروه برای تفرقه میان مسلمانان شگفت زده شدم، و به حق سوگند، به ذهنم خطور نمی‌کند که در عصر حاضر یک مسلمانی برای دور کردن مسلمانان از همدیگر و ایجاد اختلاف میان آنان این چنین کوشش کند و همه مصلحان و منادیان وحدت را به نادانی و دروغ‌گویی و نفاق و حيله، متهم سازد. و بالاترین مصیبت اینجاست که این کتاب توسط دانشگاه بزرگ مدینه منوره چاپ و منتشر می‌شود. دانشگاهی که در آن شیخ محمد مغراوی از نویسندگان مشهور وهابی در آن براین باور است که: با گسترش مذهب تشیع در میان جوان‌های مشرق زمین، بیم آن را دارم که این فرهنگ در میان جوان‌های مغرب زمین نیز

گسترده شود: «بعد انتشار المذهب الاثنی عشری فی مشرق العالم الاسلامی، فخفت علی الشباب فی بلاد المغرب ...»

باور و اعتقادی که این رهبر وهابی در آن تنها نیست و دیگران نیز منافع خود را در پی توسعه انقلاب اسلامی در خطر میدانند. بگونه ای که مارک پالمر، رئیس کمیته خطر کنونی (Committee on the Present Danger) در گفت و گویی با روزنامه نیویورک تایمز این حقیقت را برای کاخ سفید آشکار ساخت که ایران به لحاظ مکتب تشیع و ترکیب آن با وسعت سرزمینی، جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه و قلب نظام بین المللی به قدرتی کم بدیل تبدیل گردیده و دیگر نمی توان آن را با یورش نظامی سرنگون نمود. به عبارت دیگر اجماع رهبران کاخ سفید بر این است که ایران با یورش نظامی قابل سرنگونی نیست. با چنین مفروضی می توان اتصال سه رأس این مثلث توطئه را مشاهده کرد که چگونه با تکمیل راهکارهای مختلفی از سوی مراکز راهبردی آمریکا تجمیع می شوند. جمع بندی همه اینها، این بود که تنها راه باقی مانده بی ثبات سازی کشور در عرصه ی قومی مذهبی متبلور است، که نتیجه آن باید در قالب براندازی نرم صورت گیرد. در این راهبرد، گام وحشت و نارضایتی قومی مذهبی باید بتواند جوانان، زنان، دانشجویان، کارگران، جامعه هنری، فرهیختگان و... را در قالب جبهه نخست سربازان جنگ جدید قرار داده و موجبات عقب نشینی حکومت اسلامی در ایران و تضعیف جایگاه ولایت فقیه را فراهم آورد.

### **اهمیت توجه به موضوع:**

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ایجاد توسعه تفکر ضد تحجر و خیزش بیدارگونه مسلمانان در منطقه خاورمیانه، جنبش وهابیت با ایجاد شبکه های فرهنگی و سایت های ضد شیعی سعی در جلوگیری از همه گیری این تفکر نمود هرچند این شبکه هدف ظاهری خود را توسعه اخلاص در توحید و جنگ با شرک و بت پرستی قلمداد کرد اما واقعیت این جنبش چه از جهت فکری و چه از منظر عملی این هدف را تایید نکرده و عملاً عرصه

تاریخی و آینده پیش روی آن جز تاریکی، ظلم و وحشت را نوید نمی‌دهد و این عملکرد در قبال رویکرد جهانیان به شناخت مکتب انقلاب اسلامی و یادگار امام خمینی (ره)، که مایه ترس و هراس صهیونیست‌ها و قدرتمندان جهان در رأس آنان آمریکا و هم-پیمانان آنان شد، وهابیت را به وحشت انداخته که اگر این فکر و اندیشه در منطقه گسترش یابد، و در نتیجه حکومت‌های دست‌نشانده آنان را متزلزل سازد؛ در همین راستا بار دیگر اشتباه تاریخی خود را در دست‌نشانده‌گی استکبار تکرار نموده و خود را به منافع حیاتی غرب پیوند دادند و آنان نیز که با تجربه تاریخی خود فرقه‌های ساختگی و مذاهب گمنام و اقلیت‌های فکری و مذهبی را عامل توسعه اختلاف و برتری می‌دانستند براین شدند تا از این طریق چهره انقلاب اسلامی را مخدوش سازند و مانع از نشر افکار آزادخواهانه آن گردند و در این میان وهابیت نقش عمده‌ای به عهده گرفت زیرا نام اسلام و خادم الحرمین را بر خود داشت و از نظر قدرت مالی و دیگر امکانات نیز، می‌توانست در این مورد، کارساز باشد؛ لذا پس از ناامیدی در کسب موفقیت در دفاع مقدس، کارگزاران این آیین ساختگی، در مورد تشیع به نشر کتاب‌ها و مقاله‌های فراوان و مصاحبه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی پرداختند که هدف از آن ارائه تصویر غیر منطقی و غیر قابل قبول از تشیع بود. شیخ عبدالله الغنیمان استاد «الجامعه الاسلامیه» در مدینه منوره در توجیه عملکرد تفرقه افکنانه وهابیت و توصیه به حملات جنایت بار می‌گوید: «ان الوهابیین علی یقین بأن المذهب (الاثنی عشر) هو الذی سوف یجذب الیه کل اهل السنه و کل الوهابیین فی المستقبل القریب» (وهابیون به یقین دریافته‌اند، تنها مذهبی که در آینده، اهل سنت و وهابیت را به طرف خود جذب خواهد کرد، همان مذهب شیعه امامی است). لذا تلاش می‌شود تا در وهابیت علاوه بر بازتولید چهره خشن حاکمیتی اولیه در دهه‌های نخستین قرن بیستم (۱۹۱۳ م) که در راه استقرار خود، با کمک اربابان قدرتمند مانند انگلستان، هرگونه صدای مخالف مانند آل رشید در کویت و شرفای مکه را سرکوب نمودند، با مصادره شعارهای اصولگرا، عدالت طلب، ضد تبعیض و جهان محور که از آن انقلاب اسلامی بوده است چهره پنهان و منفور خود را در نزد ملت‌های عرب پنهان کنند و با اتکاء بر قدرت

نفت و ثروت فراوان کشور های عربی مهم ترین شکل بی ثبات سازی ایران را در حوزه دامن زدن به منازعات و مطالبات قومی، فرقه ای، صنفی و... دنبال کنند بازبینی گزارش جیمز بیکر و لی همیلتون در ششم دسامبر ۲۰۰۶ پیرامون سیاست آمریکا در عراق است که در این گزارش توصیه می شود که در صورتی که ایران حمایت خود را از شیعیان عراق متوقف نکند (!) باید ناامنی داخلی در این کشور را با اطلاعی که از تکثر قومی - مذهبی ایران دارد افزایش داد تا ادامه ناامنی در عراق به صورت بازی با حاصل جمع منفی تغییر شکل دهد. لذا بدیهی است که شکل گیری لشکر جهنگوی شاخه بلوچستان ایران، مجاهدین اهل سنت ایران را به همراه دفاع از تشکیل جمعیت الوفاق و حمایت از دبیر اول آن و همچنین دفاع از برخی از احزاب دست ساز و پشتیبانی وسیع از گروه تروریستی موسوم به جندالله به رهبری عبدالمالک ریگی و سایر مخالفان نظام و راه اندازی رسانه های قومی تحت عناوین شبکه الاهواز و شبکه المستقبلات تحت حمایت غرب براحتی و سریع در سطح منطقه شکل گرفته و فعال شده تا موجبات بی ثباتی ایران گردند. لوتواک از مشاوران سابق وزیر دفاع و از عناصر سابق ارتش درخصوص تضعیف جمهوری اسلامی ایران می گوید: تضعیف ایران می تواند از طریق کمک به گروه های اقلیت مذهبی جهت تجزیه کشور انجام شود. آنان می توانند با توسعه فعالیت های تبلیغاتی و مذهبی خود به دنبال اختیارات تام هویتی و مذهبی خود باشند و این هدایت بعد از چندی سبب شد که تخریب گرایان سعی کنند با بمب گذاری ها در مراکز مذهبی و متعاقبا انتساب آن به اهل تسنن به تعارضات مذهبی دامن بزنند. در واقع این حرکت آمریکا و صهیونیسم عربی در تداوم حمایت های این کشور از عبدالمالک ریگی بود که در اطراف مرزهای ایران شیعه کشی را تابوی کسب قدرت و سرمایه گذاری نمایند.

### انگیزه محقق

دکتر عصام العماد، فارغ التحصیل دانشگاه «الامام محمد بن سعود» در ریاض و شاگرد بن باز (مفتی اعظم سعودی) و امام جماعت یکی از مساجد بزرگ صنعاء و از مبلغین وهابیت در یمن که کتابی نیز در اثبات کفر و شرک شیعه تحت عنوان: «اصله بین الاتنی

عشریه و فرق الغلاه» نوشته است در کتابی که بتازگی به مناسبت گرویدن خود به مذهب جعفری تألیف نموده، می‌نویسد: با مطالعه کتاب‌هایی که وهابیت در سال‌های اخیر نوشته‌اند، به یقین در می‌یابیم که آنان احساس کرده‌اند که تنها مذهب آینده، همان مذهب شیعه امامیه است.

به طور قطع، در دنیای کنونی، غیر از کشور ایران، هیچ دولت اسلامی که قانون و مقررات حاکم بر آن کشور، برخاسته از قرآن و سنت صحیح (متجلی در تشیع اثنا عشری) باشد، وجود ندارد. در این میان، کشور عربستان به جهت قداستی که حرمین شریفین به آن بخشیده و در نگاه مسلمانان جهان به عنوان مهبط وحی و کانون نزول قرآن و سرزمین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جایگاه برتری جویانه ای را در نفی تشیع و مخالفت با دولت اسلامی ایران را به عهده گرفته است، دارد.

در ایران اسلامی و بین مردم سنی مذهب ساکن در مناطق مرزی کمتر حوزه و منطقه جمعیتی سنی نشین از تبلیغات سعودیان وهابی در امان نمانده و این مسأله پس از پیروزی انقلاب اسلامی تشدید شده است. در مدارس علمیه اهل سنت، دیده شده است که کتاب های ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب به صورت آشکار برای طلاب تدریس و دیگر کتاب های وهابیان به صورت هدایی بین طلاب و روحانیان منطقه توزیع می شود. جزایر قشم و کیش به دلیل نزدیک بودن به کشورهای خلیج و شنیدن و دیدن صدا و تصویر رادیوها و تلویزیون های منطقه، که آیین وهابیت را تبلیغ و از نظام شیعی حاکم بر ایران اسلامی انتقاد و بدگویی می کنند، نیز در معرض آسیب و حتی خطر گرایش قرار دارند.

در چنین دوران سختی که مسلمانان به همدلی و همکاری بر ضد دشمن مشترک نیاز حیاتی داشته و دارند، وهابیت تاکنون موجب شده است تا، مسلمانان و پیروان مذاهب مختلف آن به جرم شفاعت خواهی از پاکان و زیارت قبور اولیای خدا، مشرک، بت پرست و واجب القتل خوانده شده و عرب‌های بادیه نشین را با افکار جمود و غیرالهی برانگیخته و کلیه مناطق شیعه نشین و سنی نشین حجاز، عراق، شام و یمن را در بیش از یک قرن از آرامش و امنیت دور نگه داشته و آنها را به خاک و خون بکشند و اموالشان را به عنوان

غنیمت جهاد با کفار به غارت برند و با تمسک به فتاوی هدفمند، تفرقه انگیز، خونبار و جنایت آفرین به تبعیت از محمد بن عبدالوهاب به تکفیر مسلمانان جهان و تشویق پیروان خویش، قتل و غارت آنان، پرداخته که جدای از تخطئه جایگاه اسلام در نزد جهانیان، صحنه‌های جانگدازی را در ادامه و طول دو قرن فتاوی جنایات بار اخیر خود پیش آورند فتاوی بی سابقه و خونباری که تنها در ذات تحجر و یک سویگی فرقه وهابیت نهفته و مظاهر آن در حمله و کشتار بی سابقه مردم مظلوم کربلای معلا، در سال ۱۳۴۳ هـ ق که حدود ۷۰۰۰ نفر از علما، سادات و مردم را قلع و قمع کردند، نمودار گشته و می تواند در صورت عدم مقابله و بی توجهی جهان اسلام تکرار و توسعه آن ضربات جبران ناپذیری را به پیکره مسلمین وارد سازد.

محققین و دلسوزان که این مسائل را پیگیری می‌کنند، اذعان دارند که هم اکنون ۴۰۰۰۰ سایت اینترنتی به تبلیغ وهابیت مشغول بوده و تاکنون ۱۰۰۰۰ عنوان کتاب و جزوه بر ضد تشیع در جهان منتشر شده است که تیراژ برخی از آنان میلیونی می‌باشد. لذا آنها با تشکیل یک مثلث شوم که دارای ابزار مشترک "قدرت، مذهب و ثروت" هستند، در صدد هستند تا با مقابله با اصل آرمانخواهی بیدار گرایانه انقلاب اسلامی که ریشه در "جامعه مهدوی" و "اعتقاد به ظهور منجی عالم، مهدی موعود-عج" دارد، و با شناخت از علائمی که برای این روز موعود در روایات برای شیعیان امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است، از گسترش این فرهنگ در افکار عمومی سایر مردم جهان که زمینه اضمحلال قدرت و هیمنه آنها را پدید خواهد آورد، جلوگیری کنند؛ به خاطر داشته باشیم که خمودی و مخالفت با علم و عقل در نزد این گروه، هیچ گاه رشد علمی و استقلال واقعی و عملی ملت‌های مسلمان را برنتابیده و تلفیق علم و دین را امری شیطانی تلقی و بروز آن را جز فسادکشورهای اسلامی توجیه نمی‌کنند. دردناکترین چیزی که وهابیت در تأیید این ضرورت مرتکب شد و ننگ او برای ابد بر پیشانی آنان باقی است، آتش زدن کتابخانه بزرگ "المکتبه العربیه" بود که بیش از ۶۰ هزار عنوان کتاب گرانبقدر و کم نظیر و بیش از ۴۰ هزار نسخه خطی منحصر به فرد داشت که در میان آنها برخی از آثار خطی دوران جاهلیت، یهودیان، کفار



قریش و همچنین آثار خطی علی (ع)، ابوبکر، عمر، خالد بن ولید، طارق بن زیاد و برخی از صحابه پیامبر گرامی (ص) و قرآن مجید به خط "عبدالله بن مسعود" وجود داشت. و نیز در همین کتابخانه انواع سلاحهای رسول اکرم (ص) و بتهایی که هنگام ظهور اسلام مورد پرستش بود مانند "لات"، "عزی"، "منه"، "هبل" موجود بود و این در حالی است که "ناصر السعید" از قول یکی از مورخان نقل می‌کند که هنگام تسلط وهابیان این کتابخانه را به بهانه وجود کفریات در آن به آتش کشیده و به خاکستر تبدیل کردند. خود این برخوردها نشانگر آن است که وهابیون عمدتاً یک گروه و فرقه ایدئولوژیک جزم‌گرا هستند که عملکردشان به شدت رنگ و بوی مذهبی دارد تا سیاسی.

### بررسی تاریخی:

جریان سنت‌گرای سلفی که تعبیر مختلفی هم از آن شده و حتی مسئله بنیادگرایی که غربی‌ها مطرح کردند روی این نگرش استوار است، اصولاً جریانی است که اندیشه‌ها و افکارش مبتنی بر یک سری پیش‌داوری‌ها، احکام، باورهای ثابت و تغییر ناپذیر است که در دنیای اسلام چه اهل سنت و چه شیعه با این جریان مواجه هستند. در طول دو قرن اخیر جریان‌ات پر قدرتی مانند: شاه ولی‌الله دهلوی در هند و عبدالوهاب در عربستان در برابر اصولگرایی و سنت‌گرایی عقلی، ایستادند. بهترین تعبیر این است که این جریان‌ها گرفتار جمود و تعصب خاصی بودند که هیچ‌گونه تغییری را در اندیشه و برداشت‌های دینی برنمی‌تافتند لذا، سلفی‌گری در معنای لغوی به معنی تقلید از گذشتگان، کهنه‌پرستی یا تقلید کورکورانه از مردگان است، اما سلفیه (Salafiyye: اصحاب السلف الصالح) در معنای اصطلاحی آن، نام فرقه‌ای است که تمسک به دین اسلام جسته، خود را پیرو سلف صالح می‌دانند و در اعمال، رفتار و اعتقادات خود، سعی بر تابعیت از پیامبر اسلام (ص)، صحابه و تابعین دارند. آنان معتقدند که عقاید اسلامی باید به همان نحو بیان شوند که در عصر صحابه و تابعین مطرح بوده است؛ یعنی عقاید اسلامی را باید از کتاب و سنت فراگرفت و علماً نباید به طرح ادله‌ای غیر از آنچه قرآن در اختیار می‌گذارد، بپردازند. در اندیشه سلفیون، اسلوبهای عقلی و منطقی جایگاهی ندارد و تنها نصوص قرآن، احادیث و

نیز ادله مفهوم از نص قرآن برای آنان حجیت دارد معتقدان به سلف صالح، عقاید خود را به احمدبن حنبل (۲۴۱-۱۶۴ق) نسبت می‌دادند، اما پاره‌ای از فضلالی حنبلی در این خصوص، یعنی در نسبت آن سخنان به احمدبن حنبل، با آنان به مناقشه پرداختند. پس از مرگ احمدبن حنبل اندیشه‌ها و افکار وی نزدیک به یک قرن ملاک سنت و بدعت بود، تا اینکه عقاید وی و نیز سلفی‌گری تحت تاثیر انتشار مذهب اشعری به تدریج فراموش شد.

در قرن دوازدهم هجری قمری، محمدبن عبدالوهاب نجدی (۱۲۰۶-۱۱۱۵ق) با طرح مجدد ادعای بازگشت به اسلام اصیل، اندیشه پیروی از سلف صالح را بار دیگر به عرصه مناظرات کلامی آورد. او با استناد به «بدأ الاسلام غریبا و سيعود غریبا» معتقد بود که اسلام اصل نخستین را در غربت یافته است؛ از این رو، وی با آنچه خود آن را بدعت و خلاف توحید می‌خواند، به مبارزه برخاست و مسلمانان را به سادگی اولیه دین و پیروی از سلف صالح دعوت می‌کرد. "سعود بن عبدالعزيز" در سال ۱۲۱۸ به هنگام تسلط بر مکه مکرمه بسیاری از دانشمندان اهل سنت را بی دلیل به شهادت رساند، و بسیاری از اعیان و اشراف را بدون هیچ اتهامی به دار آویخت و هر کس را که در اعتقادات مذهبی ثبات قدم نشان می‌داد به انواع شکنجه‌ها تهدید کرد، و آنگاه منادیانی فرستاد که در کوچه و بازار بانگ زدند: "ادخلو فی دین سعود و تظلو بظله الممدود" هان ای مردمان! به دین سعود داخل شوید و در زیر سایه گسترده‌اش مأوا گزینید! و هابیون در سال ۱۲۱۸ پس از مسلط شدن بر مکه تمام آثار بزرگان دین را تخریب نمودند. آنان در "معلی" قبه زادگاه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) را، و همچنین قبه زادگاه علی بن ابی طالب (ع)، و خدیجه، و حتی ابوبکر را ویران و با خاک یکسان کردند.

عبدالوهاب از افراد قبیله بنی سنان و عشیره تمیم است که در سال ۱۷۰۳ میلادی در ناحیه عینیه به دنیا آمد و در جوانی به مدینه رفته و در مکتب استادانی چون سلیمان بن کردی و محمد السندی به تحصیل مشغول گشت و سپس به بصره و بغداد رفت و در آنجا ازدواج کرد. وی پس از مرگ همسرش به ایران آمد و به کردستان و همدان مسافرت کرد و سپس در اصفهان به تحصیل فلسفه اشراق و تصوف پرداخت، سپس به قم رفته و در

آنجا از پیروان مذهب ابن حنین شد و سپس به عینیه، زادگاه خویش بازگشت و در آنجا به تبلیغ عقاید مذهبی خویش پرداخت و کتاب «التوحید» را که بیان کننده ی عقاید مذهبی اش بود، به رشته ی تحریر درآورد.

شیخ محمد در سال ۱۱۶۰ پس از آنکه از عینیه بیرون رانده شد رهسپار درعیه از شهرهای معروف نجد گردید. در آن وقت امیر درعیه محمد بن سعود (جد آل سعود) بود وی به دیدن شیخ رفت و عزت و نیکی را به او مژده داد. شیخ نیز قدرت و غلبه بر همه بلاد نجد را بوی بشارت داد و بدین ترتیب ارتباط میان شیخ محمد و آل سعود آغاز گردید. یکی از بزرگترین نقاط ضعف برنامه زندگی شیخ مزبور این بود که با مسلمانانی که از عقائد کذائی او پیروی نمی کردند، معامله کافر حربی می کرد و برای جان و ناموس آنان ارزشی قائل نبود. جنگهایی که وهابیان در نجد و خارج نجد از قبیل یمن و حجاز و اطراف سوریه و عراق راه انداختند بر همین پایه بوده، هر شهری که با جنگ و غلبه بر آن املاک خود قرار می دادند و آلا به غنایمی که بدست می آوردند اکتفاء می کردند. کسانی که با عقائد او موافقت می کردند و دعوت او را می پذیرفتند باید با او بیعت می کردند و اگر کسانی به مقابله برخیزند باید کشته شوند و اموالشان تقسیم گردد، طبق این رویه از اهالی قریه موصول در شهر احسا سیصد مرد را به قتل رسانیدند و اموالشان را به غارت بردند.

سپاه وهابی در شهر کربلا رسوائی به بار آورد و پنج هزار تن را به قتل رسانیدند پس از آن به طرف خزینه های حرم امام حسین (ع) حمله ور شده و اموال آنرا به غارت بردند. از زمانیکه شیخ محمد بن عبدالوهاب عقائد خود را ابراز و مردم را به پذیرفتن آنها دعوت کرد، گروه زیادی از علمای بزرگ به مخالفت با عقائد او پرداختند، نخستین کسی که به شدت با او مخالفت برخاست پدرش عبدالوهاب و سپس برادرش شیخ سلیمان بن عبدالوهاب بودند که هر دو از علمای حنبلی محسوب می شوند.

شیخ عثمان نجدی از مورخان و هابی می نویسد: وهابیان به صورت غافلگیرانه وارد کربلا شدند و بسیاری از اهل آنجا را در کوچه و بازار خانه ها کشتند، روی قبر حسین (علیه

السلام) را خراب کردند، و آنچه در داخل قبه بود به چپاول بردند، و هر چه در شهر از اموال، اسلحه، لباس، فرش، طلا و قرآنها نفیس یافتند ربودند، نزدیک ظهر از شهر خارج شدند در حالی که قریب به دو هزار نفر از اهالی کربلا را کشته بودند. برخی می‌نویسند که وهابیان در یک شب، بیست هزار نفر را به قتل رساندند. وهابیان بعد از کشتار بی رحمانه اهل کربلا و هتک حرمت حرم حسینی (علیه‌السلام) با همان لشگر راهی نجف اشرف شدند، ولی مردم نجف بخاطر آگاهی از جریان قتل و غارت کربلا و آمادگی دفاعی به مقابله برخاستند و حتی زنها از منزلها بیرون آمده و مردان خود را تشجیع و تحریک به دفاع می‌کردند تا اسیر قتل و چپاول وهابیان نشوند و در سال ۱۲۱۵ نیز گروهی برای انهدام مرقد مطر حضرت امیر (علیه‌السلام) عازم نجف اشرف شدند که در مسیر با عده‌ای از اعراب درگیر شده و شکست خوردند.

وهابیان پس از قتل عام مرد طائف طی نامه‌ای علمای مکه را به آیین خود دعوت کردند آنان در کنار کعبه گردآمدند تا به نامه وهابیان پاسخ گویند که ناگهان جمعی از ستمدیدگان طائف داخل مسجدالحرام شدند و آنچه بر آنان گذشته بود بیان داشتند، مردم سخت به وحشت افتادند چندان گویی که قیامت بر پا شده است. آنگاه علماء و مفتیان مذاهب اربعه اهل سنت که از مکه مکرمه و سایر بلاد اسلامی برای ادای مناسک حج آمده بودند به کفر وهابیان حکم کردند، و بر امیر مکه واجب دانستند تا به مقابله با آنان بشتابد و فتوا دادند که برمسلمانان واجب است تا در این جهاد شرکت نمایند و در صورت کشته شدن شهید خواهند بود.

در این زمان بود که پرتغالی‌ها قصد حمله به مکه را نمودند که این فکر عملی نگردید. در همان قرن خلفای عثمانی که متوجه عربستان شده بودند، به تدریج سواحل غربی و سپس تمامی عربستان را زیر سلطه خود در آوردند. در این زمان یعنی قرن ۱۸ میلادی، محمدبن عبدالوهاب در نجد قیام کرد. وی خود را مصلح مذهبی دانسته و مذهب خاص خود را تبلیغ می‌کرد. آیین و فرقه‌ی جدید به وجود آمده توسط محمدبن عبدالوهاب، در آغاز با مشکلات فراوانی مواجه گردید، چرا که مخالفان افکار و عقاید وی علیه او قیام

کردند و تعرضاتی انجام دادند که در نتیجه ی آنها، وی در صدد به دست آوردن حامیانی از حاکم شهر نجد برآمد؛ اما آنها هیچ یک از ترس ایجاد آشوب و بلوا، حاضر به انجام و قبول چنین کمکی نشدند. تا سرانجام، محمدبن سعود حاکم شهر (درعیه) را با خود همداستان کرد. محمدبن عبدالوهاب و محمدبن سعود با یکدیگر عهد و پیمان بستند که در این راه، از هیچ کوشش دریغ نوزند و بر مبنای این قرارداد، عبدالوهاب بر نفوذ مذهبی خویش و محمدبن سعود نیز بر قدرت خود افزودند. بنابراین، عربستان امروزی نتیجه پیوند قدرت سیاسی و نظامی خاندان سعودی و محمدبن عبدالوهاب، بنیانگذار فرقه وهابیت شد. افزون بر این وهابیون توانسته اند، در کنار تشکیلات مذهبی حکومتی و وزارتخانه هایی چون وزارت شئون اسلامی، اوقاف، دعوت و ارشاد، سازمان های عریض و طویل دیگری را در رابطه با امور مذهبی و گسترش آیین وهابیت تشکیل دهند که سازمان رابط عالم اسلامی، سازمان علمای بزرگ و سازمان امر به معروف و نهی از منکر، از جمله ی آنهاست. سازمان علمای بزرگ یا «کبار العلماء»، مرکب از ۲۱ تن از علمای طراز اول وهابی است که بیشتر فعالیت اعضای آن صدور فتوا و ایفای نقش مهم و اساسی در مسائل سیاسی و مذهبی عربستان است. از نگاه وهابیون، جماعت زیادی از مسلمانان موحد نیستند، چرا که می کوشند تا عنایت خدا را با زیارت قبور اولیا به دست آورند، پس مشرکند. تفسیر قرآن بر پایه ی تأویل را کفر می شناسند، شفاعت جستن از غیرخدا را کفر می نامند، ذکر نام پیامبر، ولی یا فرشته را در نماز شرک می دانند و براساس این آموزه ها، تشیع و شیعیان را کافر و مشرک دانسته و مقابله با آنان را وظیفه ی دینی خود می دانند. در رساله عبدالوهاب به نام «کشف الشبهات» بیش از ۲۴ بار افراد غیروهابی کافر دانسته شده اند.

اگر به اندیشه ها و رویکردهای وهابیان در عربستان و سایر کشورها مراجعه شود مشاهده می گردد که حتی دسته های بسیار واپس گرا که اندیشه ها یا عملکرد بسیار سخیفی را از خود به جای گذاشتند، از جریان وهابیت جدا شدند. جریان اخوان - که غیر از اخوان المسلمین مصر بود - معتقد بودند، استفاده از مظاهر تمدن جدید به طور کلی حرام است و

ما باید به صدر اسلام برگردیم و سیره و روش پیامبر و اصحاب او را الگوی خود قرار دهیم و همان گونه که آنها عمل و زندگی می‌کردند به عنوان شیوه زندگی خود برگزینیم؛ جمود آنها به اندازه ای رسیده بود که حتی وقتی انگلیسی‌ها با توپ و سلاح‌های گرم حمله کردند، از آنجا که استفاده از سلاح مدرن را تجویز نمی‌کردند، با همان شمشیر و نیزه می‌خواستند با سلاح‌های جدید و فناوری نظامی مدرن برخورد کنند، در نتیجه به طور کلی این جریان بعد از مدتی نابود گردید اما وهابیت بدلیل نزدیکی که با ابن سعود داشت و به دلیل ضرورت‌های حاکمیتی و اصل حیات طایقه‌ای اندکی از عقلانیت و مسامحه با دنیای مدرن را پذیرفت. درهم تنیدگی وهابیت با قومیت سعودی، براساس نیازهای حیات استعماری انگلستان به ایجاد پادشاهی ای انجامیده که در آن مذاهب دیگر اسلامی - چه سنی و چه شیعه - جایی برای رشد و نمو ندارند؛ به خصوص طرفداران بیداری و استکبار ستیزی به خاطر ضدیت خاص وهابیت با آنها، در شرایط ناگواری، مملو از تبعیض و ستم توأمان از سوی وهابیت و استعمار به سر می‌برند.

پس از پیروزی انقلاب، فرقه گرایی و شیعه ستیزی یک ابزار استراتژیک ارزشمند برای رهبران سعودی برگزیده شد که برای کنترل جریان‌ات آزادی طلب، نشأت گرفته از انقلاب و گسترش نفوذ عربستان در سراسر خاورمیانه و آسیای مرکزی به کار می‌آمد.

### محیط نگاری:

به اعتقاد وهابیان، مذهب وهابی نه نحله‌ای جدید، بلکه، همان مذهب سلف صالح است و از این رو، خود را «سلفیه» نیز می‌نامند؛ زیرا آنان مدعی هستند که در اعمال و افعال خود، از سلف صالح، یعنی از اصحاب پیامبر اکرم (ص) و تابعین آنان پیروی می‌کنند. وهابیان معتقدند که باید اساس دین بر قرآن و مفاهیم ظاهری احادیث صحیح پیامبر (ص) و اصحاب او نهاده شود و در پی آنند که این آیات و روایات بدون هرگونه تغییر و تأویل مورد استناد و عمل قرار گیرد؛ یعنی صرفاً به ظاهر مفاهیم آنها عمل شود. از این رو، آنان آن دسته از رفتار و کردار مسلمانان را که با قرآن و احادیث اصلی تطبیق نمی‌کند، انحراف از اصول و فروع اصلی قرآن و اسلام می‌شمارند. "سعود بن عبدالعزیز پس از تصرف مدینه

مدینه منوره همه اهالی مدینه را در مسجد النبی گردآورد، و درهای مسجد را بست و اینگونه سخن آغاز نمود. هان این مردم مدینه بر اساس آیه شریفه "الیوم اکملت لکم دینکم" "دین و آیین شما امروز به کمال رسید، به نعمت اسلام مشرف شدید حضرت احدیت از شما راضی و خشنود گردید، دیگر ادیان باطله نیاکان خود را رها کنید و هرگز از آنها به نیکی یاد نکنید از درود و رحمت فرستادن بر آنها به شدت پرهیز نمایید زیرا همه آنها به آیین شرک در گذشته‌اند.

وهابیون ثابت کرده اند که در کارکردهای تاریخی خود با برداشت های غلط و افراطی از احکام و دستورالعمل های اسلام، مثل دادن حکم تکفیر و اعدام غیرمسلمان، که به خصوص بعد از سقوط صدام در عراق با دستگیری شیعیان و مسلمانان به جرم کافر حربی همراه بود، و سر بریدن و گردن زدن آنها در مقابل دوربین و نشان دادن آن به جهان در حالی که نوای قرآن در حال پخش آیات جهاد است و سایر اقدامات تروریستی، مردم جهان را نسبت به اسلام انقلابی و ضد استعماری بدبین کرده و علاوه بر بازکردن باب توهین و افترا به اسلام نظیر آنچه که "پاپ" درخسونت گرا بودن اسلام و قرآن خواند، مسیر تحقق اهداف ضداسلامی استعمار غرب بویژه صهیونیسم را نیز هموارتر نمود.

به جهت اینکه نطفه تشکیل وهابیت و دیگر شاخه های آن کشورهای استعماری غرب بوده و از پایه های اعتقادی منحرف و متزلزل و جدا از ولایت ائمه اطهار(ع) که منشا تفسیر و تبیین آیات الهی اند، برخوردار است، لذا همیشه جاهلانه "شیعه" را دشمن شماره یک خود خوانده و همواره سعی در ضربه زدن به شیعیان دارد، و در این بین امریکا و صهیونیسم بین الملل هستند که بیشترین نفع را برای دشمنی با کل اسلام می برند. آنها با اطلاع از فرهنگ شیعه که در سه عنصر "انتظار" و "شهادت" و "ولایت پذیری" خلاصه می شود، به اهمیت قدرت شیعیان پی برده و لذا همواره با حمایت و تحریک پنهان "وهابیت"، سعی در مهار این قدرتی دارند که انقلاب اسلامی ایران نماد مسلم آن است.

دکتر ناصر قفاری استاد دانشگاه های مدینه می نویسد: «و قد تشیع بسبب الجهود التي يبذلها شيوخ الاثني عشرية من شباب المسلمين، و من طالع كتاب «عنوان المجد في تاريخ

البصره و نجد» بیهوله الامر حيث یجد قبائل باكملها قد تشیعت». (اخیراً تعداد زیادی از اهل سنت به طرف مذهب شیعه گرویده‌اند و اگر کسی کتاب «عنوان المجد فی تاریخ البصره و نجد» را مطالعه کند به وحشت می‌افتد که چگونه برخی از قبایل عربی به صورت کامل، مذهب شیعه را پذیرفته‌اند). جالب‌تر از اینها سخن شیخ مجدی محمدعلی محمد نویسنده بزرگ وهابی است که می‌گوید: «جاءنی شاب من اهل السنه حیران، و سبب حیرته انه قد امتدت الیه ایدی الشیعه ... حتی ظن المسکین انهم ملائکه الرحمه و فرسان الحق». (یکی از جوان‌های اهل سنت حیرت زده نزد من آمد وقتی که علت حیرت او را جویا شدم، دریافتم که دست یکی از شیعیان به وی رسیده است، و این جوان سنی تصور کرده است که شیعیان ملائکه رحمت، و شیر بیشه حق می‌باشند). لذا به نظر می‌رسد همین عوامل باعث شده است که توسعه نفوذ حوزه های علمیه مورد حمایت وهابیت بصورت عمیق و گسترده ای در پیرامون و درون کشورهای شیعه نشین ساماندهی و یا تجهیز و یا مورد حمایت قرار گیرند که قویترین سطح نفوذ بین المللی از آن

«جامعه ام القرى» بمکه المکرمه است : این دانشگاه در سال ۱۳۶۹ هـ ابتدا به صورت دانشکده «الشریعه» تأسیس و در سال ۱۴۰۱ هـ با موافقت مجلس الوزراء به دانشگاه ام القرى تغییر نام داد. هدف از تأسیس این دانشگاه، آموزش زبان عربی و گسترش فرهنگ اسلامی برای زنان و مردان مسلمان است و در بیش از ۲۵ کشور دارای شعبه است. دانشکده های «کلیه الشریعه»، «مرکز البحوث العلمی»، «احیاء التراث الاسلامی»، «مرکز البحوث النفسیة والتربویة»، «مرکز ابحاث الحج»، «معهد تعلیم اللغه العربیة» و «المركز العالمی للتعلیم الاسلامی» زیر نظر این دانشگاه فعالیت می‌کنند. به تعبیر دیگر این سیاست که حوزه های علمی - دینی عربستان، به شکل دانشگاهی توسعه و تکامل یابند موجب شده است که عملاً دانشگاههای عربستان مروج آیین و مذهب رسمی وهابیت در جهان اسلام باشند. از گذشته های دور تاکنون، از داخل و خارج عربستان علاقه مندان به تحصیل در رشته های دینی مانند قرآن، تفسیر، حدیث، تاریخ اسلام و فقه جذب دانشگاه های این کشور مانند «جامعه ام القرى»، «جامعه الملك سعود»، «جامعه الملك عبدالعزيز» و «جامعه



الاسلامیه فی المدینه» می‌شوند. برای نمونه، دانشگاه اسلامی در مدینه (تأسیس در سال ۱۳۸۱ هـ) با ۵ دانشکده تخصصی و بخش‌های گوناگون وابسته، به آموزش دانش‌جویان در شریعت اسلامی، تبلیغ و ارشاد، اصول دین، قرآن و حدیث، حدیث و روایات شریفه، مطالعات اسلامی، زبان عربی و مانند آن می‌پردازد. فارغ‌التحصیلان این مراکز علمی به اقامه نماز جماعت در مساجد و تبلیغ مسائل شرعی و دینی در داخل و خارج عربستان مشغول می‌شوند. و نقش فراوانی در ایجاد گروه‌های تندرو در طلاب و دانش‌جویان دینی دارد. که می‌توان از گروه طالبان گروه جهنگوی سپاه صحابه و در نهایت القاعده نام برد. سپاه صحابه نمونه کامل یک حزب تفرقه‌گرا و مورد حمایت عربستان در پاکستان می‌باشد. این گروه در زمان حکومت ژنرال ضیاءالحق تأسیس و با سرعتی بی‌سابقه در سراسر کشور گسترش یافت. مراکز فعالیت «سپاه صحابه» از مناطقی هستند که قبلاً محل فعالیت فئودال‌های شیعه مذهب بوده و تأسیس «سپاه صحابه» یکی از ابزارهای فئودال‌های سنی مذهب در مبارزه با شیعیان می‌باشد. از سوی دیگر عربستان سعودی که پشتیبان سرسخت ضیاءالحق و بعد از ناامنی‌های ایجاد شده محدود شده و مجدداً پس از دوره نواز شریف به حمایت از طالبان تبدیل شد که در ادامه شعارها و اهداف تأسیس «سپاه صحابه» به دفاع از احترام به صحابه (گرایش وهابیان) و مبارزه با افکار شیعیان (به بهانه مخالفت با صحابه) و انقلاب اسلامی ایران سوق داده شد. تبلیغات گسترده و گم‌راه‌کننده آن‌ها و کارهایی مانند آدم‌ربایی، سرقت مسلحانه، ترور، کشتار جمعی (بمب‌گذاری) و اعمال وحشیانه دیگر، باعث ایجاد وحشت و دلهره در بین شیعیان شده است.

لازم به ذکر است که جمعیت العملاء و لشکر جهنگوی گروهک‌های وابسته دیگری را که در جهت اهداف آن‌ها تلاش می‌کنند مانند گروه «سوار اعظم» به رهبری مولانا اسفندیار و سلیم الله خانی و گروه «حرکه الانصار» و «تنظیم الدعوه» تأسیس نموده است. در ادامه جغرافیائی این توسعه در افغانستان گروه «طالبان» که از حمایت جدی قوم پشتون (بزرگ‌ترین قوم افغانستان) برخوردار و به دست اطلاعات ارتش پاکستان I.S، «جمعیت‌العلماء» پاکستان و مدارس دیوبند، (محل آموزش اندیشه‌ها و پنداری‌های

وهابیان) توسعه گرفت. هرچند طالبان افغانستان، مدعی استقرار شریعت غرای محمدی (صلی الله علیه وآله) هستند و خود را حنفی مذهب و صوفی مشرب قلمداد می کنند، ولی اعمالشان نشان دهنده احیای سنت های قومی و قبیله ای ۲۵۰ سال گذشته قومی - مذهبی می باشد که این باورها و سنتها شباهت زیادی با عملکرد وهابیان دارد، به طوری که شواهد موجود نشان از حمایت کامل سیاسی، فکری و اقتصادی عربستان از آن ها دارد که برای اولین بار توانست در دوازدهم اکتبر ۱۹۹۴ م با یک دسته دویست نفره به طور سریع، در سایه حمایت مالی و نظامی دولت پاکستان، امریکا، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، توانستند مناطق وسیعی را از دست دولت افغانستان خارج کنند و به تصرف خود درآوردند. جزایر مالدیو، سریلانکا در اقیانوس هند، کشورهای کنیا، اتیوپی، اوگاندا، غنا، نیجریه، مالی، سنگال، لیبی، استرالیا، کانادا، امریکا، آرژانتین، فیلیپین، سنگاپور، اندونزی، مالزی، چین و ژاپن از دیگر مناطقی هستند که رژیم آل سعود با شیوه های گوناگون در این کشورها به تبلیغ اسلام وهابی (اسلام سلفی) می پردازد.

و زمینه های مورد اشاره باعث گردیده که وهابیت چند سالی در عرصه اقدامات و فعالیت های گروهها و جمعیت های دینی و مذهبی وارد شده و درحجم گسترده و چشم گیری در این کشورها عمل کند و محورها و قالب های اصلی فعالیت خود را در حوزه های زیر دسته بندی کند :

- 1- فعالیت های تبلیغی در مساجد و مراکز دینی
- 2- فعالیت در حوزه توزیع و فروش کتاب و انواع منشورات در قالب تاسیس کتاب فروشی و عرضه لوازم التحریر .
- 3- جذب و تربیت طلاب علوم دینی .
- 4- اعطای بورس به متقاضیان و علاقمندان تحصیل در دانشگاه های عربستان و برخی دیگر از کشورهای عربی .
- 5- دایرکردن کلاس های آموزشی قرآن و عقاید در نقاط مختلف .
- 6- حضور فعال در سطح دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی با اشکال مختلف .

## 7- راه اندازی مراکز فروش و تجارت کالا با گرایش تبلیغی

### 8- ورود در برخی مشاغل خدماتی از جمله تاکسی رانی با رویکرد ترویج و تبلیغ

وهابیت .

پس از صعود ناگهانی قیمت‌های نفت در دهه اخیر، عربستان سعودی که بیش از هر کشور دیگری از این رشد ناگهانی قیمت‌ها متمتع شده بود مدارس مذهبی وهابیون در کشورهای مختلف اسلامی را تحت حمایت مالی مستقیم وهابیت قرار داد و زمینه را برای تحصیل صدها طلبه جوان در این مدارس فراهم ساخت. این مدارس، طلبه‌های زیادی را از بقیه نقاط جهان عرب به سوی خود جذب کردند و صدها روحانی وهابی را پس از رسیدن به مدارج بالای ترقی به کشورهايشان عودت دادند تا عقاید مذهبی فرقه وهابیت را در آنجا گسترش دهند. حکومت‌های مسلمان، کمک مالی بسیار خوبی را نیز از عربستان سعودی دریافت می‌کردند و عربستان توانست با این خرج تسلط فرهنگی گسترده‌اش را در منطقه خاورمیانه عربی که از دیرباز همواره مورد مناقشه اخوان المسلمین و وهابیت بوده است را تأمین کند و به تعبیری وقتی عربستان سعودی مستقیماً به این کشورها پول می‌داد حکومت‌های مزبور نیز متقابلاً باید به علمای سعودی خوشآمد می‌گفت. در واقع، نوعی داد و ستد سیاسی در این کشورها در جریان می‌افتد.

همزمان با انکشاف این نفوذ سیاسی در پوشش مذهب ایران هم در حال تبدیل شدن یک قدرت موثر و بیدارساز اسلامی در منطقه است و این کشور یکی از رقیبان مهم ستراتیژیک امریکا و جریان‌های انحرافی مورد حمایت غرب در منطقه است. ایران با تأکید بر حفظ حقوق ملت عراق بمنظور محدود سازی صحنه‌های حضور امریکا در جهان اسلام سبب گردید تا امریکا هراس بخطر افتادن منافع کلیدی او در افغانستان سیاست‌های پنهانی خود را بصورت جدی تعمیم و توسعه بخشد تا بتواند ایران و دیگر کشورهای مخالف نفوذ تاریخی او را در سطح منطقه، را مهار کند و این کار تنها در صورتی قابل تحقق است که بتوان با جنبش‌های داخلی معارض یکدیگر، انرژیهای متمرکز ضد امریکائی را ستحیل و مستهلک نمود و به میان آوردن یک چالش دینی با رویکرد سلفی در این میانه موفق

جلوه کرده است. تجربه ثابت کرده است وهابیت نه‌استی تحول ساز بوده و می تواند همچون نقش حساسی که در تکامل جغرافیای سیاسی عربستان ایفا کرد موجب شود تا از بعد سیاسی، اتحاد بین وهابیت و پیروان مذهب چهارگانه اهل سنت قدرت سیاسی ومذهبی در خاورمیانه در فراسوی دو پایگاه و هسته‌ی قبیله و سنت در سراسر کشورهای ساخت نیافته منطقه گسترش یابد و آنها بتوانند، تسلط و نمایندگی خود را بر سایر مناطق و قبایل استحکام بخشند. در حال حاضر نفوذ وهابیت به عنوان نماینده پنهان نفوذ غرب و به دلیل ایفای این نقش تاریخی و حیاتی، فراتر از نقش رسمی یک نهاد دینی است بگونه‌ای که می توان این مطالبه را از زمان تأسیس رژیم سعودی، تاکنون دید که وهابیت فرهنگ، آموزش و پرورش و سیستم قضایی را تعریف و شکل داده و در نهایت بر همه‌ی تمایلات و گرایش های اسلام گرایی سنی منطقه تأثیر گذاشته است. در عربستان کنونی، مفتی های وهابی، در اوضاع سیاسی جامعه نقش برجسته ای دارند و وزرای دادگستری، حج و شئون اسلامی، اوقاف، و دعوت و ارشاد با مشاورت آنها انتخاب می شوند.

### تجزیه وتحلیل:

جریان سنتی که روی باورها و تعصباتی که داشته و به جهت محافظه کاری هیچ گونه تحولی را نمی پذیرد و حس می کرده که حفظ وضع موجود به سود اوست، چون وابسته به جریانات اقتصادی سنتی بودند منافعش را در آن می دیده که با تحولات اجتماعی مخالفت کنند. سایت هایی که او به آنها اشاره می کند، سایت های سیاسی هستند که از لندن هدایت می شوند مانند: سایت: [www.isl.org.uk](http://www.isl.org.uk) و اداره کنندگان آنها مخالفان نظام جمهوری اسلامی می باشند، اکنون باید دید این سؤالاها را خود این جوانان مطرح کرده اند و پاسخ نیافته اند، آنگاه از انقلاب اسلامی رویگردان شده و به حزب اموی درآمده اند یا افراد دیگر این سؤالاها را مطرح کرده اند؟! نتیجه تحولات عراق نیز که به افزایش قدرت شیعیان و تحقق حقوق آنها و آغاز رقابت سیاسی و حتی نظامی بین شیعیان و سنی ها انجامیده، وضعیت موجود را تشدید کرده و موجی از نگرانی را نه تنها در عربستان، بلکه در دیگر کشورهای سنی که جمعیت های شیعه در کشورهای خود دارند و به آنها ظلم و ستم می

کنند، برانگیخته است و موجب افزایش خشونت، هم در کلام و هم در عمل علیه شیعیان شده است و بر خشونت‌های فرقه‌ای افزوده است. از نظر وهابی‌ها شیعیان کافر بوده و مروج شرک هستند. آنها از اصول توحید تجاوز کرده، مرتکب گناه بدعت شده‌اند؛ گناهی که مجازات آن مرگ است. وهابیون شیعیان را مسئول سقوط خلافت اسلامی در بغداد، تهاجم مغول‌ها و کشتار بسیاری علمای خود می‌دانند؛ اتهاماتی که دروغ بودن آن بسیار واضح و آشکار می‌نماید.

"وهابیت" امروز که خود را در طیف سلفی و تکفیری جای داده است، با عملکردهای جاهلانه و ظالمانه خود باعث تحقق دو هدف عمده سران استکبار شده و نقش تکمیل‌کننده اضلاع مثلث صهیونیسم، استکبار و تحجر را ایفا می‌کنند. دکتر محمدسعید رمضان‌البوطی از منتقدان اندیشه سلفیه و فرقه وهابیت، در کتاب «السلفیه مرحله زمينه مبارکه لا مذهب اسلامی» درباره سلفیه و پیدایش آن می‌گوید: «سلفیه پدیده‌ای نسبتاً نوخواسته است که انحصارطلبانه مدعی مسلمانی است و همه را جز خود، کافر می‌شمرد؛ فرقه‌ای خودخوانده که با به‌تن‌درکشیدن جامه انتساب به سلف صالح و با طرح ادعای وحدت در فضای بی‌مذهب، با بنیان وحدت مخالف است. سلفیه، یعنی همان بستر وهابیت، مدعی است که هیچ مذهبی وجود ندارد و باید به عصر سلف، یعنی دوران صحابه، تابعین و تابعین تابعین بازگشت و از همه دستاوردهای مذاهب که حاصل قرن‌ها تلاش و جستجوی عالمان فرقه‌ها بوده و اندوخته‌ای گران‌سنگ از فرهنگ اسلامی در ابعاد گوناگون پدید آورده است و با پاسداشت پویایی اسلام و فقه اسلامی آن را به پاسخگویی به نیازهای عصر توانا ساخته است، چشم پوشید و "اسلام بلامذهب" را اختیار کرد.» سلفیه دستی به دعوت بلند می‌کند و می‌گوید: «بیاید با کنار گذاشتن همه مذاهب به سوی یگانه‌شدن برویم» اما با دست دیگر، شمشیر تکفیر برمی‌کشد و مدعی است که با حذف دیگران از جامعه اسلامی و راندن آنان به جمع کفار، جامعه اسلامی را یکدست می‌کند. عبدالعزیز قاری از علمای بزرگ مدینه منوره در این رابطه رسماً اعلام کرد که ما امروز در برابر دشمن مشترکی هستیم که دارای سه زاویه می‌باشد: امریکا، یهود و روافض (شیعه) و حوادث عراق و لبنان ثابت کرد که

هدف اصلی این دشمنان اهل سنت و جماعت هستند و ما باید در برابر این دشمنان متحد باشیم. تا آن جا که می‌گوید: کسانی که بر این باور هستند که اهل سنت دارای یک مذهب هستند باید تلاش کنند اعتقاد به مذاهب اربعه را از محدوده اهل سنت و جماعت خارج کنند و گرنه این مذاهب چهارگانه فقهی وسیله انحراف جامعه خواهد بود.

امروز وهابیت بر سه پایه: "ثروت"، "مذهب" و "قدرت" قرار دارد و با این ابزارها سعی در پیشبرد اهداف کلان خود در جهان دارد. دارا بودن کارتل‌های بزرگ نفتی و اقتصادی، در اختیار داشتن نبض فکری و سیاسی رسانه‌های عربی منطقه چون العربیه، الجزیره، الشرق الاوسط و...، اداره بنیادهای علمی و فرهنگی در کشورهای مسلمان منطقه، و بسیاری از موارد دیگر، همه نشان از "امپراتوری پنهان وهابیت در منطقه دارد. آنها با در اختیار داشتن ثروت، قادر به نفوذ هر حاکمیت غیرمردمی در کشورهای اسلامی و رسیدن به قدرت پنهان و آشکار مورد نظر خود در بین آنها دارند. اما آنچه در این بحث حائز اهمیت است ارتباطات پیدا و پنهانی است که بین منابع ثروت و قدرت غربی یعنی امریکا و کشورهای غربی و صهیونیسم بصورت تاریخی از هفت دهه پیش، با شیوخ وهابی وجود دارد. اگر همانطور که اشاره شد، صهیونیسم را منشا فکری و سیاسی تاثیر گذار در معادلات بین المللی به عنوان "راس یک مثلث" فرض کنیم، و از طرفی امریکا و سرسپردگی لابی یهودی در سنا و پارلمان آمریکا به منافع و سیاستهای صهیونیسم را در کنار تعلقات خاص سران کشورهای غربی به اسرائیل ظلع دیگر آن در نظر بگیریم، آنچه باعث تکمیل "ضلع سوم" این مثلث شده است، نقش و عمل سران و حاکمان وهابی برخی کشورهای عربی، بویژه عربستان سعودی از سیاستهای آنها برای تحقق اهداف شان است که تایید اشغال فلسطین توسط صهیونیست ها آغازگر این حرکت و حمایت از دولت‌های دست نشانده عربی و طرفدار صهیونیسم در منطقه ادامه و تداوم این سیاست است.

حضور و فعالیت وهابی ها در خاورمیانه طی ده دوازده سال گذشته یک پیامد منفی دیگر نیز داشته و آن اینکه گاهی ارگانها و دستگاه‌های ذیربط این کشور در حوزه مسائل و مسئولیت های دینی را رودرروی هم قرار داده و آنها را باهم درگیر کرده است. گسیل

سیاسی مذهبی عربستان به سمت کشورهای شیعه نشین و مسلمانان شوروی سابق (قریب ۷۰ میلیون نفر) و در اقلیت شیعی در کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه مانند ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، آذربایجان، ارمنستان و چین همچون زمان های گذشته، مورد طمع سیاست های قدرت و تبلیغات وهابیان بوده و هستند.

تأسیس مسجد، مراکز مذهبی، کمک های مالی برای تغییر مذهب و ارسال و اهدای کتاب ها و نشریات و مبلغان مذهبی وهابی و سلفی و قاریان قرآن برجسته و اعزام رایگان ائمه جمعه و جماعت برای اقامه نماز و سخن رانی از دیگر برنامه های وهابیان سعودی برای این مذاهب و کشورها بوده و با زمینه چینی و توسعه تبلیغات اسلامی در کشورها، امکان سفر گسترده برگزیدگان این طیف را به عربستان برای مراسم حج و همایشهای مذهبی مربوطه را تسهیل می نماید.

فاش شدن نقش راهبردی امریکا در استفاده از افکارافراطی وهابیون برای ایجاد گروه در افغانستان القاعده در سال ۱۹۸۸، نشان داد که پایه های اعتقادی تندروهای به ظاهر اسلامی که منشا سیاسی- فکری شان در چارچوب حکومت های عربی چون عربستان تعریف میشود، در مبارزه با اشغالگری و الحاد کمونیستی تا چه اندازه غیر دینی و بی ارزش بوده است و حتی گزینش القاعده در حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر که در فضای ناامن از دست دادن چرخه هدایت این گروه از سوی امریکا بعد از پایان جنگ سرد بوده است که در عمل در راستای منافع غرب موجب بهره وری از فرصت جدید و زمینه سازی لشکرکشی آن کشور به خاورمیانه و اشغال دو کشور افغانستان و عراق شد، که اگر اینها را درکنار ارتباط تنگاتنگ سران وهابی حکومت سعودی و برخی دیگر کشورهای عربی با سردمداران کاخ سفید قرار دهیم، با یک تحدید بیعت و همگرایی عمیق فکری- سیاسی بین " وهابیون " و "نومحافظه کاران" امریکائی مواجه می شویم که نگاهی به آحاد جنایت سلفیون در این دهه می تواند این روند را توضیح دهد.

## بررسی چرخشهای وهابیت پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱

قبل از بررسی علل چرخشهای این گروه ذکر این نکته لازم است که برخی پارامترها دارای مرز مشترک در هر دو مقطع تاریخی می باشد و دلیل ذکر آن در یک مقطع به معنای قطعیت آن نیست. با این توضیح عواملی مثل خرابی و نابودی، ایجاد رعب و وحشت، ایجاد ضربه اساسی پررنگ تر شده است.

### ۱- چرخش اهداف خرابی و نابودی بر منطقه خاور میانه

یکی از اهداف وهابیت نوین بر خلاف گذشته، ایجاد نهایت تخریب و نابودی است. دسترسی سهل الوصول به سلاحهای پیشرفته این امکان را به وجود آورده تا به سادگی قادر باشند هر تخریبی با هر نوع وسعت و گستردگی به سادگی ایجاد نمایند. از آن جا که میزان خسارت و تلفات برای آنان امری مهم محسوب می شود، به دنبال آن هستند تا حداکثر تلفات را وارد نمایند. اهداف دولتی و عمومی تفاوتی در این جریان ندارند، اما آنچه مهم است انعکاس میزان خسارت ها در منطقه خاورمیانه است که کشورهای اسلامی را تحت تاثیر قرار می دهد. انفجارهای پی در پی در کشورهای مسلمان و کشتار مسلمانان بی گناه و انفجار اماکن عمومی نمونه ای از این اهداف است.

### ۲- ایجاد رعب و وحشت در اذهان مسلمانان از طریق کشتار کورکورانه

در دوران های گذشته از جمله زمان استالین برخی ترورهای صورت گرفته با هدف رعب و وحشت صورت می گرفت امروزه نیز در ترور نوین، قربانیان عمدتاً شهروندان بی گناهی هستند که یا به طور تصادفی انتخاب شده اند و یا آن که به طور اتفاقی در صحنه های تروریستی حضور داشته اند. ایجاد خوف و وحشت در اذهان مسلمانان منطقه و کشورهای اسلامی دیگر در کوتاه مدت یکی از اهداف بلافصل وهابیت است که تا حد زیادی بر اساس توسعه ترس، آرزو و خشونت و گرویدن به تدابیر و سیاستهای صادره از سوی مرکز وهابیت سیاسی در عربستان است.

در سالهای میانی و پایانی قرن بیستم، اگر دامنه این گونه عملیتهای وهابیت به درون حداکثر دو کشور عراق و عربستان محدود می شد و دیگر کشورهای همسایه نیز از



آسیب‌های عملیات قهرآمیز و تروریستی در امان بودند، اکنون تروریسم سیاسی - مذهبی وهابیون در هیچ مرزی محدود نمی‌شود و نه تنها همسایگان که حتی متحدان مذهبی و دوستان سیاسی را فارغ از موقعیت جغرافیایی‌شان تحت تاثیر قرار می‌دهد چنان که عملیات تروریستی به زبان مشترک مخالفان دولت‌ها و یا نظام جهانی تبدیل شده و نه تنها در حوزه خاورمیانه و افریقا که در دیگر کشورهای مسلمان جهان نیز توسل به اقدام‌های قهرآمیز، ساده‌ترین و در عین حال سهل‌الوصول‌ترین شیوه برای دستیابی به اهداف مورد ادعاست. انفجار یک اتومبیل بمب‌گذاری شده در محلی به نام مرکز رولیزان در غرب الجزیره ۸ کشته و ۸۲ مجروح به جا گذاشت. به گزارش خبرگزاری فرانسه از الجزیره این انفجار که یکی از شدیدترین انفجارهای اخیر در الجزایر بود روز یکشنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۷۴ (۲۲ اکتبر ۱۹۹۵) در اولین روز مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری الجزایر صورت گرفته است.

### **تمرکز خدمات ضربه‌شديد و اساسی بر سازش و يا تغيير نظام حاکم**

ایجاد ضربه‌های ناگهانی و اساسی برای ناتوان نشان دادن دولت‌ها، مهم‌ترین هدف گروه‌های تروریستی است. وهابیت نوین در پی آن هستند تا با ایجاد خرابکاری و انفجارهای شدید ذهن مردم را نسبت به تامین امنیت مختل نموده و این‌گونه وانمود کنند که دولت مرکزی قادر به برقراری امنیت و ایجاد آسایش برای مردم نیست. همین امر ممکن است موجب روی گردانی مردم از زمامداران و اعتماد آنها به گروه‌های تروریستی گردد. انفجار در پاکستان و قتل بی نظیر بوتو به همراه فشار بر دولتهای قطر، پاکستان، افغانستان، امارات متحده عربی - الجزایر، سودان - سنگال، سومالی، نیجریه در راستای فشار بر شیعیان و برخی از رهبران مذهبی از این جمله است.

### **استفاده از آموزه‌ها و فناوریهای مدرن غربی علیه مسلمانان**

استفاده از فناوریهای روز و پیشرفته، موجب افزایش قدرت مرگ‌آفرینی فعالیت وهابیت شده است. بهره‌برداری از سیستم‌های اطلاعاتی و فناوری دیجیتال (رایانه‌ها و شبکه‌ها) در سطح ملی یا بین‌المللی یکی از اهداف اساسی وهابیت در اعمال نفوذ خود

در این کشورهاست. با توجه به کیفیت این اعمال در استفاده از مواد انفجاری ویژه، نحوه استفاده از آن تنها به زمان واراده گروهها بستگی دارد. لذا باید این تهدید را بسیار جدی گرفته و تدابیر لازم را جهت مقابله با آن به مرحله اجرا درآورد. روی آوردن وهابیون به روشهای نوین عملیاتی و استفاده آنها از فناوریهای مدرن ارتباطی و اطلاعاتی و استفاده از فضای اینترنتی و پهنای باند فرکانسی و آزادی عمل رسانه ای باعث شده است که اقدامات ضد تروریستی با مشکلات فراوانی رو به رو شود.

از نظر لاکوئر ترورهای وهابیت بیشتر بر انگیزه‌های فرقه ای استوار خواهد بود تا انگیزه‌های ایدئولوژیک. به علاوه تمایز بین این فرقه و سایر جنایات مشکل تر خواهد شد و مهم تر از همه این که این فرقه در آینده برای جوامعی که از نظر فن آوری پیشرفته هستند، تهدیدی جدی تلقی خواهد شد. وهابیت در این عرصه با انگیزه‌های فردی و ارائه دلیل جهت مخالفت با دولت اهمیتی نمی دهند، بلکه آن چه از منظر آنان با ارزش است، ایجاد مانع برای نظام‌های سیاسی است تا در نحوه اداره جامعه مشکل ایجاد نمایند. راننده یک کامیون انباشته از مواد منفجره، روز یک شنبه ۲۸ آبان ۱۳۷۴ ( ۱۹ نوامبر ۱۹۹۵) کامیون خود را به سفارت مصر در پاکستان کوید که بر اثر انفجار آن ۱۵ تن کشته و ۶۰ تن دیگر زخمی شدند. به گفته مقامهای پاکستانی اغلب کشته شدگان گاردهای امنیتی پاکستان و درخواست کنندگان روادید بودند. چهار مصری از جمله یک دیپلمات نیز در بین مقتولان دیده می شوند.

- بهره گیری از فرقه گرائی افراطی و سوء استفاده از احساسات جوانان

شرایط افراطی و برخوردهای تند در هر جامعه بهترین زمینه برای رشد و گسترش فعالیت‌های وهابیون است. این گروه ها در چنین شرایطی به سادگی رشد کرده و اقدام به جذب نیرو می نمایند. عناصر افراطی و احساسات نقش اساسی در تحریک انگیزه‌های مذهبی و ظاهر کارانه دارد. از این رو هرچه قدرت سیاسی بتواند بیشتر تساهل و خودمداری نشان بدهد، به همان نسبت زمینه را برای رشد این گونه گروه ها محدودتر می نماید. این فرقه دیگر بر اساس انگیزه‌های سیاسی استوار نیست، بلکه دیدگاهها و

انگیزه‌های مذهبی - فرقه ای در شکل‌گیری آن نقش عمده ای ایفا می‌کند. توجه به اقدامات خشونت بار امروزی نشان می‌دهد که در طی سالهای اخیر وهابیت تغییر شکل اساسی داده است. وهابیتی که با انگیزه‌های سیاسی و با برخورداری از پشتیبانی چند کشور برای دستیابی به اهدافی مشخص علیه اهداف یا دشمنانی شناخته شده انجام می‌گرفت، با گذشت زمان کارکرد خود را به اقدامات خشونت بار و سوء قصدهایی داده است که با انگیزه‌های مذهبی - فرقه‌ای صورت‌گرفته و توسط گروه‌های کوچک و به زحمت قابل‌شناسایی انجام می‌شود.

### **ویژگی‌های وهابیت نوین از منظر انتخاب نوع هدف**

وهابیت سنتی در مقایسه با وهابیت نوین دارای وجوه تشابه و تفارق هست، اگرچه وهابیت در گذشته الگوی فکری بعضاً متفاوتی با دوره نوین داشتند، اما از جهت برخی اهداف نقاط مشترکی نیز داشتند. بمب‌گذاری، قتل، حملات مسلحانه، آدم‌ربایی، گروگان‌گیری و تشیع زدایی بعضاً در هر دو دوره وجود داشته است اما میزان آن متفاوت و نحوه اجرا به شکلی دیگر بوده است، نوع تهدیدات نیز با یکدیگر متفاوت است. ویژگی‌های عمده وهابیت نوین در هر دوره دارای وجوه ذیل می‌باشد.

- ۱- همواره متضمن خشونت یا تهدید به خشونت شدید سیاسی مذهبی است؛
- ۲- لایه‌های پایینی آن دارای ریشه‌های مختلفی چون جنبش‌های معترض دینی، شورش‌های سیاسی و خیزش‌های اجتماعی است؛
- ۳- قربانیان وهابیت نوین اغلب شهروندان بی‌گناه مسلمان و خصوصاً شیعیان هستند که یا به طور تصادفی انتخاب شده یا آن‌که صرفاً به طور تصادفی در موقعیت‌های تروریستی حضور داشته‌اند؛
- ۴- پویایی و قدرت مرگ‌آفرینی بسیار در تحرکات وهابیت در پناه استفاده از فناوریهای نوین افزایش یافته است؛
- ۵- استفاده از رسانه‌های ارتباطی مدرن برای تحت‌تاثیر قرار دادن افکار عمومی به گونه‌ای که هر اقدام خشونت باری تحت پوشش خبری و تهییجی قرار می‌گیرد؛

۶- استفاده از باورهای مذهبی، فرقه ای، و ملت گرایانه برای ایجاد حس منجی مآبانه اسلامی و هدایت آن علیه مذاهب و جریانهای مخالف سیاسی؛ برخی از تفکرات وهابیت نوین بر توسعه نگرانی‌های شبه مذهبی و سیاسی استوارند که اساسا سرشتی جنایتکارانه دارند، برخی نیز فرقه‌ای بوده و جزء نابود ساختن تمدن اسلامی هدفی دیگر ندارند که بیش از آنکه اسلام علوی در آن دیده شود اسلام اموی رخ نموده و میل به ارتجاع و شهوترانی سفیانی دارد.

### **پیش‌بینی و نتیجه‌گیری:**

بنابراین در یک جمع بندی می توان گفت که هم صهیونیسم و هم سران وهابی کشورهای عربی آگاهند که تنها خطری که "ثروت و قدرت" نامشروع و اهداف استعماری و ظالمانه شان را در مقابل مستضعفین جهان تهدید می کند، موج اسلام خواهی مردم جهان است که الگوی فکری و سیاسی خود را از عقاید و تجارب منطبق بر ظلم ستیزی و عدالت طلبی یگانه مذهب رهائی بخش اسلام یعنی "شیعه" کسب می کند.

حرکت ها و جریانات افراطی دینی همواره یکی از آفت ها و آسیب های حوزه عملکردی دین بوده و در طول تاریخ مصائب و مشکلات فراوانی را برای دینداران و جوامع دینی بوجود آورده است. متأسفانه جهان اسلام و مسلمانان در مقطع حساس کنونی هم از این آسیب جدی در امان نبوده و در معرض خطرات آن قرار گرفته اند. یکی از این جریانات و حرکت های مشکل آفرین اقدامات و فعالیت های تند و افراطی وهابیت در سطح برخی از کشورهای اسلامی و حتی خارج از جهان اسلام است. اگرچه میدان اصلی فعالیت این حرکت افراطی - انحرافی در دهه های دور بیشتر خاورمیانه و کشورهای عربی بوده است ولی امروزه این جریان مشکل ساز گستره فعالیت وسیعی به خود گرفته آفریقا شبه قاره آسیای مرکزی و قفقاز و سایر نقاط دنیا را نیز در بر گرفته است.

متأسفانه در مقطع حساس فعلی نیز همانند گذشته این قبیل حرکت ها و جریانات افراطی علاوه بر اتکا و تمسک به تعصبات شدید و آلوده به اغراض و مقاصد سیاسی است و گردانندگان پشت صحنه توطئه هایی از این دست قدرتمندان زورمدار و سلطه گران زیاده خواهی هستند که انشعابات و دسته بندی های مذهبی را دست مایه اختلاف افکنی قرار داده و با سرمایه گذاری زیاد و بکارگیری ابزارهای روزآمد تبلیغی و رسانه ای نیات و

مقاصد شوم خود را عملی می‌سازند. در میان عمده فعالیت‌های صرف مذهبی و تبلیغی در سطح مساجد و اماکن دینی، هدفگیری وهابیون بر عقاید سنتی و سلفی از اهتمام بیشتری برخوردار است و اقدامات آنان در این زمینه کاملاً چشم‌گیر به نظر می‌رسد. فعالیت‌های آموزشی و فروش و توزیع کتاب و انواع منشورات هم از اولویت‌های دیگر آنان است و به نظر می‌رسد در این زمینه هم سرمایه‌گذاری‌های زیادی کرده‌اند. متأسفانه به علت وجود زمینه‌ها و بسترهای لازم برای بهره‌برداری که به عامل‌های سه‌گانه اصلی آن اشاره شد این جریان بحران‌ساز توفیقاتی ولو نسبی هم داشته و توانسته هواداران و پیروانی را برای خود جلب نماید. کشمکش‌های مذهبی در چارچوب مرزهای جغرافیایی بدور از رودرروئی‌های متعصبانه می‌تواند تهدیدی برای ثبات و آرامش موجود فعلی تلقی شده و وحدت و انسجام اسلامی را از مردم و جامعه بگیرد. فعالیت وهابی‌ها در هر کجا که باشد بنابر ماهیت ذاتی خود اختلاف‌افکن و تفرقه‌انگیز است و با توجه به اینکه از عقلانیت و منطق سالم پیروی نمی‌کند نتیجه طبیعی حضور و فعالیت آن ایجاد تنش و درگیری است.

قدرت‌های سلطه‌گر بویژه آمریکا در منطقه استراتژیک و حساسی چون خاورمیانه بدنبال اهداف و مقاصد شوم و منفعت‌طلبانه خود هستند و برای رسیدن به این منظور از هر ابزار و وسیله‌ای که ممکن باشد استفاده می‌کنند. بدیهی است که فعالیت‌های تنش‌آفرین و اختلاف‌برانگیز وهابی‌ها زمینه و بستر مناسب را برای بهره‌برداری هرچه بیشتر آنان فراهم می‌آورد تا از آن به عنوان ابزار و نردبانی برای رسیدن به خواسته‌های نامشروع خویش بهره‌برند. جریان‌ات و حرکت‌های تند و افراطی نظیر وهابیت تأثیرات منفی و مشکل‌آفرینی فراتر از یک کشوردارند و در هر گوشه از دنیا که فعالیت کنند کل منطقه را درگیر تبعات نامبارک اقدامات افراطی خود می‌کنند. بر این اساس حضور فعال و عملکرد گسترده و تاثیرگذار آنها در جمهوری آذربایجان تنها این کشور را متاثر نمی‌کند بلکه کل منطقه قفقاز و کشورهای پیرامونی را تحت تأثیر امواج خود قرار می‌دهد و همه آنها را با دردسر مواجه می‌سازد.

**آنچه در تبیین اطلاعات باید مورد توجه قرار گیرد:**

الف) اینکه وهابیت فرقه‌ای است با ایدئولوژی جزم‌گرایانه که بسیار عملگرا و قاطع است.

ب) این جنبش از تکیه گاههای اقتصادی - سیاسی و تبلیغاتی قابل توجهی برخوردار است.

ج) به علت ماهیت انقلابی و ظلم و استکبار ستیزی تشیع که الهام بخش توده های کشورهای اسلامی بوده است شیوخ و سران فاسد دولتهای اسلامی تلاش زیادی در ثوبه جلوه دادن چهره تشیع و تهییج افکار توده های کم اطلاع کشورهای خود علیه آن کرده و می کنند و دراین میان فرقه های افراطی ای همچون وهابیت ابزار مناسبی برای این هدف بوده اند.

د) برای خنثی سازی و مقابله با اندیشه وهابیت باید از تمام توان و ظرفیت فکری و عقیدتی راستین تشیع بهره گرفت و با گسترش دامنه تبلیغات شیعی و گشودن باب گفتگو با بزرگان فرق اسلامی در جهت وحدت میان مسلمانان جدی تر حرکت کرد.

ه) وهابیت یک اندیشه جزم گرایانه است که در صورت ترسیم مبانی اصیل دینی و فکری تشیع و ارائه الگوهای کارآمد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برآمده از تفکر شیعی به سرعت می توان در عمل ریشه های آن را خشکاند و با جلب نظر توده های مسلمان راه نفوذ آن را برای همیشه مسدود ساخت آنچه بسیار حیاتی و اساسی است اینکه هراندیشه را باید با اندیشه قوی پاسخ گفت.

با عنایت به آنچه گفته شد و باتوجه به ماهیت تنش ساز و مشکل آفرین جریان تند و افراطی وهابیت در درجه اول وظیفه دولتمردان کشورهای اسلامی است که به خاطر صیانت از یکپارچگی و انسجام دینی جامعه و مردم خود تدابیر و اقدامات بازدارنده و تلاش های پیشگیرانه را در راستای جلوگیری از تخریب و تاثرگذاری های منفی این جریان اتخاذ و اعمال نمایند. بدیهی است که اقشار مختلف جامعه نیز به نوبه خود باید تلاش نمایند تا با شناخت هرچه بیشتر ماهیت ضدانسانی این جریان مخرب زمینه های موفقیت آن را از بین ببرند و اجازه تزلزل و فروپاشی ثبات و آرامش نسبی موجود در ساحت دینی جامعه خود را به آنان ندهند .

در کنار این دو نکته مهم و حیاتی دولت ها و کشورهای منطقه نیز می توانند برای در امان ماندن از آثار و تبعات ویرانگر این قبیل جریانات خطرناک همکاری ها و معاضدت های جمعی با هم داشته باشند. در این میان کشورهای ایران و ترکیه با توجه به وجود اشتراکات دینی و فرهنگی ریشه دار و گسترده فی مابین خود می توانند فصلی تازه در همکاری های دوجانبه بر محور این موضوع باز کرده و همدیگر را مساعدت نمایند.

### فهرست منابع:

- آقایی، سید داوود، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، روزنامه بورس - ۲۹ مرداد ۱۳۶۵.
- الیاسینی، ایمان، دین و دولت در عربستان سعودی»، ترجمه اکبر عزیزنیا، سایت اینترنتی باشگاه اندیشه، ۱۳۸۳.
- امین عاملی، سید محسن، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، جزیره العرب فی القرن العشرين .
- امین، سید محسن، ترجمه سید ابراهیم سید علوی، کشف الارتیاب، (تاریخچه و نقد بررسی عقاید و اعمال وهابها)، تهران، ۱۳۶۷.
- بی نا، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، شناخت عربستان، بی تا .
- بی نا، نگاهی به ماهیت و عملکرد فرقه ضاله وهابیت، عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی، ص ۴۸.
- دی، علل تفرقه گرایی در پاکستان (پایان نامه) .
- خلف، حسین، تاریخ الجزيرة العربیه فی عصر الشيخ محمد بن عبدالوهاب (حیاه الشيخ محمد بن عبدالوهاب)، بیروت، ۱۹۶۸ میلادی.
- زیدی، مرتضی، «تلاش گروه های تروریستی وهابی علیه ایران» روزنامه جمهوری اسلامی، مورخه دیماه ۱۳۶۹، ش ۳۳۵۵.
- کرمانی، طوبی، «نگاهی بر وهابیت»، مقالات و بررسیها، تابستان ۱۳۸۲.
- فاضل لنکرانی، محمد جواد، «مبانی فکری و کارنامه ننگین فرقه ضاله وهابیت»، اسفند ۱۳۸۳.
- فهد بن محمد الدرغان، النشر فی الجامعات السعودیه، دراسة تحليلیه نقدیه، الرياض مطبوعات مکتبه فهد الوطنیه، ۱۴۲۳ هـ؛ نویسنده در این کتاب آمار انتشارات این دانشگاه را بالغ بر ۱۰۳ کتاب و ۱۱ نشریه نوشته است.